

بررسی فقهی شاخص های مقام قاضی در اسلام

مؤلف
مهدی شهرکی

ویراستار
ایوب ارایگی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۷

سرشناسه	: شهرکی، مهدی، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی فقهی شاخص‌های مقام قاضی در اسلام / مولف مهدی شهرکی؛ ویراستار ایوب دارابیگی.
مشخصات نشر	: تهران: قانون یار، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۵۵-۳۱-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: قضاوت (فقه)
موضوع	: Judgment (Islamic law)
موضوع	: قضاوت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Judgment -- Religious aspects -- Islam
موضوع	: قاضیان -- اخلاق حرفه‌ای
موضوع	: Judicial ethics
موضوع	: قضاوت -- قوانین و مقررات -- ایران
موضوع	: Judgment -- Law and legislation -- Iran
شناسه افزوده	: دارابیگی، ایوب، ۱۳۵۶ -، ویراستار
رده بندی کنگره	: ۳۹۷ س ۹۹/۱/۴ BP۱۹۵
رده بندی دیویی	: ۹۷/۳۷۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۸۸۴۹

پخش قانون یار

بررسی فقهی شاخص‌های مقام قاضی در اسلام

تألیف: مهدی شهرکی

ویراستار: ایوب دارابیگی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۵۵-۳۱-۴

مرکز پخش قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان روانمهر

پلاک ۱۵۲، طبقه سوم (انتشارات قانون یار) ۶۶۹۷۹۵۲۶ و ۶۶۹۷۹۵۱۹

فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار
۱۱.....	فصل اول
۱۱.....	کلیات
۴۳.....	فصل دوم
۴۳.....	بررسی و شناخت طرق اثبات ولایت قاضی
۶۱.....	فصل سوم
۶۱.....	شرایط قاضی از دیدگاه اسلام
۱۱۱.....	فصل چهارم
۱۱۱.....	تعریف اجتهاد و نظر فقهی شیعه اهل سنت در این خصوص
۱۴۵.....	فصل پنجم
۱۴۵.....	فقه شیعه و دادرسی زن
۱۶۱.....	فصل ششم
۱۶۱.....	بررسی شرایط کلی و کامل کننده مقام قاضی در منصب قضا
۱۹۳.....	منابع و مآخذ

پیشگفتار

با توجه به جایگاه رفیع علم فقه در مجموعه علوم اسلامی و فقیه بعنوان متخصص در این علم که با آموخته های خود به استخراج و تبیین و ارائه احکام شرعی و کلیه دقائق و ظرایف افعالی و رفتاری انسان که برگرفته حکمی از احکام است می پردازد و گستردگی و دامنه علم فقه اعم از سیاسی - اقتصادی ، فرهنگی ، اجتماعی، فردی، خانوادگی و بطور کلی نیاز انسان را از تولد تا مرگ را شامل می گردد. امور قضایی و چگونگی حل و فصل دعاوی و منازعات مردم که واقعیت انکارناپذیر اجتماع بشری می باشد از جمله سؤالی است که فقه اسلام به تفصیل و بر اساس جهانبینی خود احکام آن را بیان نموده و با نگرش به تحول و تکامل جامعه انسانی و روابط اجتماعی موجب تحول و توسعه رشته های مختلف علوم اسلامی و از جمله علم فقه گردیده است. بی تردید تنها راه باقیمانده برای پایبندی مجدد دوباره اسلام در ممالک اسلامی که متأسفانه بشدت تحت نفوذ و سلطه حکومت های وابسته به تفکرات شرقی و غربی می باشند بازگشت به هویت فطری و اسلامی خود و به کار بستن احکام الهی است. خوشبختانه مجموعه عوامل مساعد برای ایجاد وحدت بین امتان فراهم است، قرآن بی هیچگونه تحریفی در میان ما، و سنت پیامبر و احکام و سیره اهل بیت و صحابه راستین آن بزرگوار چراغ راه ماست. وقتی که سخن از وحدت مسلمین جهان و تقریب مذاهب اسلامی به میان می آید مسلماً منظور آن نیست که یکباره همه فرق و مذاهب اسلامی به کلیه عقاید مذهبی که به دلایل مختلف در عمق باور آنان جای



گرفته، پشت پا زده و به یک مذهب و گرایش خاص جدید روی آورند، هر چند نهایتاً حق یکی است و رسیدن به کمال نهایی جامعه انسانی گذر از مسیر چنان وحدتی است، اما تحقق این آرمان مقدس جز در سایه برخورد سالم آراء و اندیشه‌های مختلف و بکارگیری عقل و فطرت الهی در انتخاب نیکوترین آن و پرهیز از هرگونه وسوسه نفسانی و القانات شیاطین درونی و بیرونی امکان پذیر نیست. تعدّد مذاهب، بطور طبیعی نشان از اختلاف مسلمانان در پاره‌ای از باورهای کلامی و فقهی دارد که این نتیجه طبیعی آزادی اجتهاد و اختلاف انسانها در برداشتهای فکری تحت تأثیر ظروف و شرایط تربیتی است، ولی نباید فراموش کرد که اصول اعتقادی، کلامی، فقهی و اخلاقی ما، وجوه اشتراک بسیار دارد، برخی از علماء مشترکات را تا ۹۵٪ در امور فقهی و حتی اعتقادی برآورد می‌کنند. این امر در مورد امور اخلاقی به صد درصد می‌رسد. همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی بر اساس اصول مسلم و مشترک اسلامی و اتخاذ موضع عملی واحد برای حتی اهداف و مصالح عالیه امت اسلامی و موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به تمام قلبی و عملی هر یک از مسلمانان به مذهب خود همان وحدت اسلامی است و این شیره اسلام راستین، بفرموده امام خمینی (ره) "اسلام ناب محمدی" است و هرگونه نغمه‌ای که ساز شود و موجد کینه و دشمنی بین مسلمانان هم کیش و همدین گردد به دور از روح و فلسفه بعثت انبیاء و برخاسته از توطئه‌های دشمنان اسلام و استعمارگران حاکم بر جهان است. بدیهی است که گستردگی قفه اسلامی و فراوانی آراء و نظریات فقهاء

مانع از آنست تا در ضمن تالیف یک کتاب مختصر تمام اقوال فقهای شیعه و علمای مکاتب فقهی اهل سنت را جداگانه با ذکر مستندات هر یک ارائه نمود، که چنین کاری مجموعه ای عظیم و حجیم را طلب می کند، لذا شیوه تالیف مطالب بدین ترتیب اتخاذ شده که نخست موضوع مورد بحث بصورت کلی مطرح و آراء فقهاء بر اساس ثبوت و تنوع نظریات دسته بندی شده و در همان صفحه و صفحات بعد عین اقوال فقهاء که نظریات ایشان در دسترس بوده ارائه گردیده است و پس از آن مجموعه دلایل و مستندات که مورد استناد یک یا چندین از فقهاء قرار گرفته با رعایت اختصار بیان شده، و در اغلب موارد به ارزیابی و نقد نظریات پرداخته ایم بنابراین چنین نیست که کلیه مستندات که در مورد هر نظریه فقهی بیان گردیده مورد قبول و استناد تمامی فقهاء معتقد به آن نظریه باشد، چه بسا مواردی که فقهی به استناد یکی از ادله نظریه ای را ثابت و معتبر دانسته ولی فقه دیگری در عین قبول آن نظریه دلیل ارائه شده را کافی ندانسته و مستند دیگری ارائه داده باشد. از آنجا که مبانی استنباط احکام شرعی در فقه شیعه با توجه به حجیت احادیث اهل بیت (ع) متفاوت با منابع اهل سنت می باشد در اغلب موارد نظریه فقهای شیعه و مستندات ایشان بطور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و سپس دیدگاه فقهای مکاتب اهل سنت آورده شده، در انتخاب آراء فقهاء نیز سعی شده است تا معروفترین و معتبرترین نظریات از کتب موجود ارائه شود، تمامی آرائی که مطرح گردیده عیناً از روی متن کتابهای فقهی پیاده شده و در موارد معدودی که نظریه ای به نقل از نوشته دیگری آمده، منبع و



مأخذ نقل نیز ذکر گردیده است. در طول مباحث سعی شده تا توضیح اصطلاحات و واژه‌های خاص در متن و یا پاورقی آورده شود، و در مسائل مهم به ریشه اختلاف آراء بر اساس دیدگاه اصولی فقهاء اشاره شده است و به تناسب موضوع کوشش گردیده تا رابطه بین شرایط و مسائل روز و نظریات ارائه شده ضمن حفظ امانت در نقل آراء حداقل از طریق طرح سؤال برقرار شود، قبل از ورود به بحث اصلی یعنی شرایط قاضی، مباحث مقدماتی و لازم مبنی بر نگرش اسلام به دادرسی، بررسی واژه قضاء، رابطه دادرسی و وظایف رهبری، چگونگی انتصاب قاضی در زمان غیبت نزد شیعه و انتخاب قاضی از دیدگاه اهل سنت، ثبوت قضاء و حکم آن در اسلام و راههای اثبات ولایت قاضی بیان گردیده و آنگاه وارد محور اصلی بحث یعنی شرایط قاضی شده ایم، از میان شرایط مختلف که برشمرده اند سه شرط عدالت، اجتهاد و رحولیت (مرد بودن قاضی) به لحاظ اهمیت، موضوع و طرح آن در شرایط کنونی به ویژه در مورد شرط اخیر با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار گرفته است.